

ضرورت تأسیس مرکز «موضوع‌شناسی فقهی»

شناخت دقیق و همه‌جانبه موضوع حکم، گاهی در دستیابی فقیه به حکم درست آن موضوع مؤثر است، گاهی در عمل مقلد به آن حکم، و گاهی هم در هر دو جهت تأثیر دارد. مثلاً خون کمتر از درهم در بدن یا لباس نمازگزار معفو است؛ کفاره تأخیر قضای ماه مبارک رمضان، یک مدّ طعام و فطریه هر نفر یک صاع طعام است. همچنین مستحب است که مهریه بیش از مهر السنّه - مهریه حضرت فاطمه (س) - نباشد. در این گونه موارد، دانستن این که درهم، مدّ، صاع و مهر السنّه چقدر است، تأثیری در استنباط حکم ندارد؛ ولی در عمل مقلد به این احکام، دارای نقش اساسی است. مقلدی که نمی‌داند مهر السنّه چیست و مقدار آن چقدر است، چگونه می‌تواند به این استحباب عمل کند؟ همچنین مثالهای دیگری که از باب نمونه ذکر شد، این گونه است.

در پاره‌ای از موضوعات تا هنگامی که فقیه تصور روشن و درست و دقیقی از موضوع نداشته باشد قادر به استنباط درست حکم آن نیست؛ مانند بازی بلیارد، حقیقت پول اعتباری، بعضی از معاملات بانکی و اینترنتی و رؤیت هلال با چشم مسلح.

مثال اخیر را - به عنوان نمونه - مقداری توضیح می‌دهیم: وقتی از رؤیت هلال با ابزاری مانند تلسکوپ و دوربین سخنی به میان می‌آید، باید مشخص شود که آیا منظور از ابزار، همه انواع دوربین‌ها و تلسکوپ‌ها است یا نوع خاصی از آن؟ آیا فقهی که رؤیت با چشم مسلح را کافی می‌داند، رؤیت حتی با تلسکوپ فضایی هابل یا تلسکوپ هیل را نیز حجت می‌داند؟ در این صورت اگر از قدرت و چگونگی رؤیت آنها مطلع باشد، بهتر می‌تواند استنباط کند. برای روشن شدن مقصود، گفتنی است که با تلسکوپ غول پیکر و بسیار قوی هیل می‌توان چیزهایی را دید که روشنایی آنها $1/10000000$ نوری است که چشم انسان توانایی دیدن آن را دارد. با این تلسکوپ می‌توان نور یک لامپ ۵۰۰ واتی را در روی کره ماه تشخیص داد. فاصله‌ای را که با هیل می‌توان دید از حد دو میلیارد سال نوری می‌گذرد. طول لوله آن تقریباً ۱۸ متر، وزن آن ۱۲۵ تن و چنگال محافظ لوله ۳۰۰ تن است. این تلسکوپ ۲۰۰ اینچی با آینه‌ای به قطر دهانه پنج متری در بالای کوه پالومار در ایالت کالیفرنیا آمریکا نصب شده است. البته در حال حاضر بزرگترین تلسکوپ زمین، تلسکوپ کک ۲ با آینه‌ای به قطر ده متر بر فراز قله موناکی هاوایی است. در تصاویر جدید کک بیش از سی پدیده جوی مشاهده شده است که این مقدار بیش از کل پدیده‌های رصد شده در

تصاویر ویجر، هابل و دیگر تلسکوپها تا سال ۱۳۷۹ ش است.

همچنین تلسکوپ فضایی هابل گرانترین و یکی از پیچیده‌ترین رصدخانه‌هایی است که بشر تاکنون ساخته است. قطر آینه اصلی آن ۲/۴ متر است و درمداری بالای جو به دور زمین می‌گردد. به این ترتیب آثار جو از بین می‌رود و می‌توان تصاویری را با وضوح بیشتری به دست آورد. انرژی الکتریکی سیستم‌های داخلی این تلسکوپ از سلول‌های خورشیدی تأمین می‌شود که در دو طرف آن نصب شده‌اند. هابل در سال ۱۳۶۹ ش / ۱۹۹۰م به فضا پرتاب شد و ۲ و در مداری به ارتفاع ۵۶۰ کیلومتری از زمین قرار گرفت و طی این ۱۵ سال ۷۰۰/۰۰۰ عکس و حجم عظیمی از داده‌های طیف سنجی را در اختیار گذاشته است. خلاصه این که وقتی سخن از رؤیت هلال با تلسکوپ می‌شود، اگر بدانیم مراد ما حتی تلسکوپ است که انسان با آن می‌تواند فاصله بیش از دو میلیارد سال نوری را ببیند، و با آن می‌توان چیزهایی را مشاهده کرد که روشنایی آنها ۱/۱۰۰۰۰۰۰۰ نوری است که چشم انسان توانایی دیدن آن را دارد، مسلماً این آگاهی، کمک خوبی به استنباط حکم رؤیت با تلسکوپ خواهد نمود.

قسم سوم از موضوعات، موضوعی است که تصور روشن و دقیق از آن، هم به فقیه در امر استنباط حکم کمک می‌کند و هم به مقلد در عمل به آن حکم مانند موضوع غنا و موسیقی که ابهام در آن هم به عمل مقلد و هم به استنباط مفتی لطمه وارد می‌آورد. برآستی تعابیر و تعاریفی مثل «موسیقی مطرب» یا «غنا و موسیقی مناسب مجالس لهُو» و مانند آن تا چه اندازه گویا و روشن است؟ بخش مهمی از مشکلات امروز ما در امر غنا و موسیقی، نبود تصویری درست و روشن از این دو موضوع است. واگذاری تشخیص آن به عرف هم مشکلی را حل نمی‌کند. مرحوم علامه شعرانی رحمه الله در این باره گوید:

...و رأیت بعض طلبة العلوم یحیلہ علی عرف المتشرّعة من العجم و غیرهم، و هو واضح البطلان، مع أنّ المتشرّعة تابعون للفقهاء، و الفقهاء لأهل اللغة، فإذا تحیروا تحیروا و إذا جزموا جزموا، و العوام أنفسهم یسألون الفقهاء عن معنی الغناء و أمثاله، و إنّما یُحال علی العرف فیما یستقل استعمالهم غیر تابعین للفقهاء...۴.

اکنون که به نقش تصور درست و واقعی از موضوع در استنباط فقیه یا عمل مقلد یا هر دو اشاره شد باید گفت: امروزه بسیاری از موضوعات، نوپیدا و جدیدند؛ مانند بیلیارد، رؤیت با چشم مسلح، برخی از آبریان که فلس دار بودن یا نبودن آنها به خوبی روشن نیست، پاره‌ای از معاملات بانکی و اینترنتی. از پاره‌ای موضوعات نیز، عرف عام امروز تصور درستی ندارد؛ مانند فرسخ شرعی، مُدّ، صاع، اندازه پرتاب یک یا دو تیر در بحث تیمم برای جستجوی آب (عُلوه و غُلوتین) و درهم بغلی (برای معفو بودن خون کمتر از آن). روشن است که نباید توقع داشت عرف عام و مقلدان به دنبال تشخیص این گونه موضوعات بروند و به احکام آنها

عمل کنند، از سوی دیگر بیشتر آنها نیز جزء موضوعات مستنبط شرعی نیست تا تعیین آن، وظیفه فقیه باشد. در نتیجه، حاصل این ابهام عدم استنباط درست و عمل نکردن مقلد به احکام خواهد بود. همچنین در تعیین بسیاری از آنها اختلاف نظر وجود دارد و نظر اهل فن یا فقیهان در آنها یکسان نیست؛ مثلاً مشهور معاصران یک مد را حدود ۷۵۰ گرم می‌دانند، ولی برخی فقیهان مدقق معتقدند که هر مد تقریباً ۹۰۰ گرم است. ۵. مسافت شرعی (هشت فرسخ) را یکی از علمای معاصر ۴۶ کیلومتر، برخی ۴۵، شماری ۴۴، بعضی ۴۳ و برخی دیگر ۴۰ کیلومتر می‌دانند.

در توضیح المسائل آیه الله حاج آقا حسین بروجردی (رحمه الله) آمده است:
فرسخ شرعی تقریباً ۵/۵ کیلومتر است.

آیه الله گلپایگانی و برخی از شاگردان ایشان هم نوشته‌اند:
یک فرسخ شرعی ۱۲/۰۰۰ ذراع می‌باشد و بعضی گفته‌اند این مقدار تقریباً ۵/۵ کیلومتر است. ۶.
آیه الله خویی و تعدادی از شاگردان ایشان هم مسافت شرعی را مقداری کمتر از ۵/۵ کیلومتر می‌دانند و آیه الله خویی مرقوم داشته‌اند:

نظر به اینکه فرسخ تحدید به ۱۲/۰۰۰ ذراع شده، و ذراعا حتی در اشخاص مستوی الخلقه مختلف است و میزان در تقدیر کمترین آنهاست، بنابر این فرسخ شرعی مقداری از ۵/۵ کیلومتر کمتر می‌شود. ۷.
در نتیجه این بزرگواران قائلند که مسافت شرعی حدود ۴۴ کیلومتر است.
امام خمینی هم مرقوم فرموده‌اند:

حدود ۲۲/۵ کیلومتر مساوی با چهار فرسخ شرعی است. ۸.
بنابراین هر فرسخ شرعی به نظر ایشان ۵/۶۲۵ متر و مسافت شرعی ۴۵ کیلومتر خواهد بود.
در رساله‌های عملیه برخی از مراجع کنونی هم می‌خوانیم:

الف) هر فرسخ شرعی حدود ۵۷۵۰ متر است. [= مسافت شرعی: ۴۶ کیلومتر.]

ب) هشت فرسخ شرعی ۴۳ کیلومتر است. [= فرسخ: ۵/۳۷۵ متر.]

ج) یک فرسخ شرعی تقریباً ۵ کیلومتر است. ۹. [= مسافت شرعی: حدود ۴۰ کیلومتر.]

قول اخیر را (مسافت شرعی = حدود ۴۰ کیلومتر) شواهدی تأیید می‌کند و آن این که در روایات متعددی وارد شده است که اهل مکه در کوچ به عرفات باید نماز خود را قصر بخوانند:

- قلت لأبي عبد الله عليه السلام: في كم أقصر الصلاة؟ فقال: «في برید، ألا ترى أن أهل مكة إذا خرجوا إلى عرفه كان

عليهم التقصير» ۱۰.

- قلت لأبي عبد الله عليه السلام: في كم التقصير؟ فقال: في بريد، ويحهم كأنهم لم يحجوا مع رسول الله صلى الله

عليه وآله فقصرُوا. ۱۱.

- إن أهل مكة يتمون الصلاة بعرفات؟ فقال: ويلهم - أو ويحهم - و أي سفر أشد منه؟ لا، لا تتم. ۱۲.

- أهل مكة إذا خرجوا حجاً قصرُوا، وإذا زاروا و رجعوا إلى منازلهم أتموا. ۱۳.

- أهل مكة إذا زاروا البيت و دخلوا منازلهم ثم رجعوا إلى منى أتموا الصلاة، و إن لم يدخلوا منازلهم قصرُوا. ۱۴.

- من قدم قبل التروية بعشرة أيام و جب عليه إتمام الصلاة، و هو بمنزلة أهل مكة، فإذا خرج إلى منى و جب عليه

التقصير، فإذا زار البيت أتم الصلاة، و عليه إتمام الصلاة إذا رجع إلى منى حتى ينفر. ۱۵.

می دانیم که مسافت بین مکه قدیم (حوالی مسجد جن و جنّة المعلاة) تا عرفات حدود ۲۰ کیلومتر است. فاسی در

شفاء الغرام و ازرقی در تاریخ مکه مسافت قسمتهای مختلف مکه تا مشاعر را محاسبه و به ذراع بیان کرده اند و رفعت

پاشا آن را به متر تبدیل کرده است.

بر اساس این محاسبه، فاصله باب بنی شیبه مسجد الحرام تا جبل الرحمة در عرفات ۲۱/۳۶۷ متر، و فاصله باب بنی

شیبه تا ابتدای جنّة المعلاة یعنی قبرستان ابوطالب (حدّ تقریبی مکه قدیم) ۱۰۴۲ متر است. در نتیجه فاصله مکه قدیم تا

جبل الرحمة حدود ۲۰ کیلومتر می شود (۲۰۳۲۵=۱۰۴۲+۲۱/۳۶۷).

رفعت پاشا می گوید:

این مسافت را در پنج ساعت و سی و پنج دقیقه طی کردیم و در هر ساعت حدود چهار کیلومتر راه پیمودیم. ۱۶.

همچنین فاسی در شفاء الغرام فاصله بین باب بنی شیبه تا حد حرم را در راه طائف در مسیر عرفات ۳۷۲۱۰۷ ذراع

دانسته که طبق محاسبه رفعت پاشا ۱۸/۳۳۳ متر می شود، و از حد حرم در مسیر عرفات تا جبل الرحمة هم تقریباً

۳۱۰۶ متر است ۱۸ که این دو فاصله جمعاً ۲۱/۴۳۹ متر می شود (۲۱/۴۳۹+۳۱۰۶=۱۸/۳۳۳) و با کسر فاصله باب بنی

شیبه تا جنّة المعلاة (=۱۰۴۲ متر) از آن، نتیجه ۲۰/۳۹۷ متر خواهد بود (۲۰/۳۹۷=۱۰۴۲-۲۱/۴۳۹) و طبق هر دو

محاسبه، فاصله مکه قدیم تا عرفات حدود ۲۰ کیلومتر می شود و گذشت که امام معصوم علیه السلام نماز را هنگام

طی این مسافت قصر دانسته اند. البته روشن است که فاصله مکه کنونی تا عرفات مسلماً کمتر از ۲۰ کیلومتر است.

تأثیر بسیار گسترده تنها همین موضوع در صحت و بطلان نماز و روزه های مردم روشن و غیر قابل انکار است.

با توجه به گستردگی روز افزون موضوعات جدید و نوپیدا، و از سوی دیگر سهولت محاسبه مقدار دقیق درهم، مُدّ،

صاع، حدّ ترخص، مسافت شرعی برای قصر نماز و مانند اینها، و با عنایت به امکانات موجود در عصر کنونی،

تأسیس مرکزی در حوزه زیر نظر فقها، برای تشخیص دقیق و تعیین حد و مرز این گونه موضوعات، امری بسیار ضروری است. در این مرکز حوزوی باید از نظر کارشناسان هر فنی استفاده کرد و با معیارهای امروزی و قابل فهم برای همه مردم، تکلیف بسیاری از موضوعات را روشن ساخت. همان گونه که از سالها پیش به تعیین برخی از موضوعات طبق معیارهای امروزی پرداخته شده است. مثلاً معیار تعیین وقت نمازها در روایات و کتب فقهی، غیر از ساعت‌های فعلی است؛ ولی امروزه مردم طبق نظر اهل خبره در تعیین اوقات شرعی، به ساعت اعتماد می‌کنند و سراغ معیارهای اصلی تشخیص وقت مثل زوال شمس (برای اول ظهر)، زوال حمزه مشرقیه (برای اول مغرب) و مانند آن نمی‌روند.

بی تردید در صدر اسلام، معیارهایی که امروزه برای عرف عام و نوع مردم ناشناخته هستند - مانند غلوه و غلوتین و اندازه درهم - کاملاً گویا و روشن بوده و شارع مقدس نیز برای سهولت دسترسی مکلفین، از همین معیارها برای مقصود خود استفاده کرده است.

اما این بدان معنا نیست که امروزه با وجود توانایی بر تشخیص این مقادیر از جمله مقدار دقیق یا تقریبی درهم به میلیمتر و سانتیمتر، باز هم مردم را برای تشخیص خون معفو، به درهم ارجاع دهیم.

وفاداری به تعابیر پیشین به حدی است که بیشتر فقهای امروز فاصله بین کعبه مشرفه و مقام ابراهیم (ع) را هم با ذراع مشخص می‌کنند و می‌فرمایند: «۲۶/۵ ذراع است»^{۱۹}. این عبارت مأخوذ از مناسک شیخ انصاری رحمه الله است ۲۰ و در حدیث نیامده است بلکه در سخن تاریخ نگاران دیده می‌شود و می‌توان بدون هیچ مشکلی این فاصله را با متر که همه آن را متوجه می‌شوند بیان کرد. چنان که برخی از فقهای معاصر چنین کرده و فرموده‌اند: «فاصله بیت و مقام تقریباً ۱۲ متر است.»

اکنون به نمونه‌هایی از این موضوعات اشاره می‌کنم و - احياناً - در باره پاره‌ای از آنها توضیحاتی خواهم داد.
۱. در توضیح المسائل امام خمینی (ره) آمده است:

مسأله ۱۶: آب کر مقدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هریک سه و جب و نیم است بریزند، آن ظرف را پر کند. وزن آن از ۱۲۸ من تبریز ۲۰ مثقال کمتر است و به حسب کیلوی متعارف بنا بر اقرب ۳۷۷/۴۱۹ کیلوگرم می‌شود.

با این که در روایات از من تبریز و کیلو سخن به میان نیامده و وزن کر با معیار دیگری بیان شده است، در اینجا امام و برخی فقیهان دیگر، وزن آن را با من و کیلو مشخص نموده و قطعاً کار درستی کرده‌اند. شایسته است که مقدار سه و جب و نیم نیز به سانتیمتر معین، و در رساله‌های عملیه نوشته شود.

یکی از فقیهان معاصر در این زمینه توضیح بیشتری داده و می‌نویسد:

مسئله ۱۶. آب کر مقدار آبی است که... و وزن آن بی اشکال ۱۲۰۰ رطل عراقی است؛ ولی در تبدیل این مقدار به اوزان کنونی در بین دانشمندان اختلاف نظر دیده می‌شود. بنابر نظر مشهور، مقدار کر ۳۷۷ ۲۱۷ (تقریباً ۳۷۷/۴۲) کیلوگرم می‌باشد، ولی ظاهراً مقدار کر بیش از این مقدار است، برخی از بزرگان مقدار آن را تقریباً ۴۶۲/۷۷ کیلوگرم دانسته‌اند و برخی دیگر ۴۷۸/۵ کیلوگرم.

بنابر این، اگر مقدار وزن آب ۴۸۰ کیلوگرم باشد، طبق نظر تمامی دانشمندان آب کر است. حجم این مقدار آب در آب مقطر در دمای چهار درجه، ۴۸/۰ متر مکعب، و در دمای صد درجه، حدود ۵/۰ متر مکعب و در سایر دماها بین این دو مقدار می‌باشد و در غیر آب مقطر از مقدارهای ذکر شده کمتر است. ۲۱.

۲. فقیه نامدار سید محمد کاظم یزدی (ره) در باره خون معفو در نماز می‌گوید:

الثانی ممّا یعنى عنه فى الصلاة الدم الأقلّ من الدرهم... و حدّه سعه أخصّ الراحة؛ و لمّا حدّه بعضهم بسعه عقد الإبهام من اليد، و آخر بعقد الوسطى، و آخر بعقد السبابة، فالأحوط الاقتصار على الأقلّ و هو الأخير. ۲۲.

در توضیح المسائل امام خمینی (ره) در این خصوص می‌خوانیم:

مسئله ۸۵۵... خون بدن انسان یا... اگر چه در چند جای بدن و لباس باشد، در صورتی که روی هم کمتر از درهم باشد (که تقریباً به اندازه یک اشرفی می‌شود) نماز خواندن با آن اشکال ندارد.

در بسیاری از رساله‌های عملیه نیز همین گونه است، بدون تفسیر آن به اندازه یک اشرفی، برخی هم آن را به اندازه یک دو ریالی تعریف کرده‌اند.

با توجه به این که درهم مورد اشاره در روایات، امروزه در موزه‌ها یافت می‌شود و با عنایت به سایر معیارها، می‌توان اندازه دقیق درهم را به میلیمتر یا سانتیمتر که برای همه قابل فهم است بیان کرد - همان طور که یکی از فقیهان معاصر در تبیین آن فرموده است: «چون قطر درهم متعارف در زمانهای سابق حداقل ۲۳ میلیمتر بوده، لازم است که کمتر از این مقدار باشد». ۲۳ و گرنه مردم امروز از اندازه درهم و اشرفی اطلاعی ندارند.

روزی واعظی در آغاز منبرش مسائل مختلف خون کمتر از درهم را شرح می‌داد. یکی از مستمعان پرسید مقدار درهم چقدر است؟ خطیب جواب داد: نمی‌دانم. مستمع دیگری گفت: به اندازه اشرفی است. از واعظ پرسیدند: مقدار اشرفی چقدر است؟ پاسخ داد این را هم نمی‌دانم!

۳. امام خمینی (ره) در بحث تیمم - در توضیح المسائل - گوید:

مسئله ۶۴۸: اگر انسان... در بیابان باشد، چنانچه زمین آن پست و بلند است... باید در هر یک از چهار طرف به اندازه

پرتاب یک تیر قدیمی که با کمان پرتاب می کردند در جستجوی آب برود و اگر زمین آن این طور نیست، باید در هر طرف به اندازه پرتاب دو تیر جستجو نماید.

در برخی رساله‌های عملیه هم این توضیح در پاورقی افزوده شده است:

مولی محمد تقی مجلسی (قدس سرّه) در کتاب لوامع صاحبقرانی (ج ۱، ص ۶۹۴) فرموده که مسافت پرتاب تیر تقریباً دو یست گام است.

در این مسأله، همان گونه که علامه مجلسی (ره) مسافت پرتاب تیر را با معیار «گام» مشخص کرده، سزاوار است که امروزه نیز علاوه بر آن، با متر هم مشخص شود.

۴. در باره وقت نمازهای مستحب روزانه در توضیح المسائل امام خمینی (ره) می خوانیم:

مسأله ۷۶۸: نافله نماز ظهر پیش از نماز ظهر خوانده می شود و وقت آن از اوّل ظهر است تا موقعی که آن مقدار از سایه شاخص که بعد از ظهر پیدا می شود به اندازه دو هفتم آن شود. ...

مسأله ۷۶۹: نافله عصر... وقت آن تا موقعی است که... سایه شاخص... به چهار هفتم آن برسد. ...

مسأله ۷۷۰: وقت نافله مغرب بعد از تمام شدن نماز مغرب است تا وقتی که سرخی طرف مغرب... از بین برود. همه این اوقات و مانند اینها، برای تمام ایام سال و برای همه شهرها به ساعت و دقیقه قابل محاسبه است و برای سهولت عمل مکلفین سزاوار است با تلاش اهل فن، این کار صورت پذیرد، همچنان که در باره وقت نمازهای واجب یومیه و ساعت قبله انجام یافته است. ۲۴

۵. امام خمینی در بحث نماز جماعت - در توضیح المسائل - می گوید:

مسأله ۱۴۳۷: اگر در نماز، بین مأموم و امام یا بین مأموم و کسی که مأموم به واسطه او به امام متصل است بیشتر از یک قدم بزرگ فاصله پیدا شود نمازش فرادی می شود و صحیح است.

آیه الله خویی (ره) در توضیح المسائل و برخی از شاگردان ایشان تعبیر «یک قدم بزرگ» را به «یک متر» تبدیل کرده و این تبدیل - اگر دقیق باشد - کار بسیار درستی است. بعضی هم «جسد انسان در حال سجده» را معیار قرار داده اند. ۲۵.

۶. فقیه متبحر سید محمد کاظم یزدی در بیان مقدار فرسخ می نویسد:

الفرسخ ثلاثة أميال، و الميل أربعة آلاف ذراع بذراع اليد الذي طوله أربعة وعشرون إصبعا، كل إصبع عرض سبع شعيرات، كل شعيرة عرض سبع شعيرات من أوسط شعر البرذون. ۲۶

چنان که گذشت فقیهان معاصر این تحدید را به کیلومتر بیان کرده و یقیناً کار درستی انجام داده اند؛ ولی همان طور

که بیان شد کار عمیق و محققانه‌ای لازم است تا اختلاف موجود در فرسخ شرعی برطرف شود. همین محاسبه در باره حدّ ترخص نیز باید صورت پذیرد؛ زیرا معیار حد ترخص (نشیدن صدای مؤذن و استتار خانه‌های شهر) با آلودگی‌های صوتی موجود و موانع دیگر، امروزه در بیشتر یا بسیاری از شهرها قابل تشخیص نیست. همچنان که ابتدای طلوع فجر و تبیین خیط ابیض از خیط اسود - بر اثر نور برق - در بسیاری از شهرها قابل تشخیص نیست و به وسیله ساعت، تکلیف طلوع فجر روشن می‌شود.

۷. یکی از مسایل دیگری که برخی از فقیهان تشیخص آن را بر عهده عرف عام گذاشته‌اند - ولی حقیقتاً برای عرف عام قابل تشخیص نیست و باید عرف خاص و اهل فن در باره آن نظر بدهند - طواف از طبقه دوم مسجد الحرام است که چون قبلاً در نکته ۲۹ در شماره ۳۷ همین مجله (ص ۱۵۸-۱۶۴) توضیح داده‌ام، دیگر به آن نمی‌پردازم.

۸. امام خمینی (ره) در باره استفاده مردان از طلا می‌فرماید:

...میزان، صدق طلای زرد است که در عربی به آن «ذهب» می‌گویند و طلای سفید اگر از این قسم نباشد، مانع ندارد.

...اگر طلا به آلیاژ مزبور صدق نکند، مانع ندارد.

...به دست کردن حلقه طلای سفید برای مردها اشکال ندارد و حکم طلای زرد بر آن مترتب نیست و نماز با آن

مانع ندارد. ۲۷

آیه الله گلپایگانی (ره) هم معتقد است:

استعمال طلا چه سفید باشد و چه زرد و یا سرخ، به عنوان زینت برای مردان حرام است؛ ولی پلاتین فلز دیگری

است [و استعمال آن] اشکال ندارد. ۲۸

این که طلا و موضوع حکم چیست و آیا رنگ، در آن مدخلیت دارد یا نه؟ نیازمند کارشناسی دقیق است و نباید از عرف عام و مردم معمولی توقع داشت که آن را تشخیص دهند.

۹. در استفتاءات حضرت امام خمینی (ره) می‌خوانیم:

سؤال: ذبح حیوانات با چاقو یا کارد استیل و همچنین با کاردهای فولادی صحیح است یا خیر؟... جواب: ذبح باید با

آهن باشد. ۲۹

دفتر امام در پاسخ به این سؤال که آیا ذبح حیوانات با استیل صحیح است یا نه، بیان می‌کرد: «اگر عرفاً آهن بر آن

صدق کند صحیح است». بی تردید، تشخیص این موضوع کار عرف عام نیست. مقلدی که می‌خواهد با چاقوی

استیل گوسفند یا مرغی را ذبح کند، چگونه بفهمد که «آهن» بر آن صدق می‌کند یا نه؟ این به عهده کارشناسان

است نه عرف عام.

۱۰. محاسبه مهر السنه نیز یکی از همان موضوعات است. در تحریر الوسیله می‌خوانیم: «... نعم يستحبّ فی جانب

الکثره أن لایزید علی مهر السنه، و هو خمسمائۀ درهم» ۳۰.

در تعیین مهر السنه یکی از فقهای معاصر نوشته‌اند:

از روایات استفاده می‌شود که مهر السنه ۵۰۰ درهم است... و درهم شرعی برابر ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار است. بنابراین، ۵۰۰ درهم معادل ۲۶۲/۵ به مثقال صیرفی (۲۴ نخودی) نقره سکه دار می‌شود. و ظاهراً به قران قدیم ایران، معادل ۲۶ تومان و دو قران ونیم بوده و مهریه‌ها را طبق آن محاسبه و تعیین و در قباله‌ها می‌نوشته‌اند و قیمت آن در

هر زمان تابع نرخ همان زمان است و در زمان ما (سال ۱۳۷۷ ش) حدود ۱۰۰ هزار تومان می‌باشد. ۳۱

یکی دیگر از فقیهان معاصر - در توضیح المسائل که به سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۳ ش چاپ شده است - می‌گوید:

مهر السنه ۵۰۰ درهم نقره سکه دار است که وزن هر درهم ۱۲/۶ نخود و جمعاً ۲۶۲/۵ مثقال معمولی نقره سکه دار می‌شود و قیمت آن تابع نرخ روز است و ظاهراً در آن زمان یک دهم ۱/۱۰ دینار ارزش داشته و چون مهر السنه ۵۰۰ درهم بوده، پس معادل ۵۰ دینار یا ۵۰ مثقال شرعی طلاست که اگر هر مثقال شرعی ۳/۵۱۵۶۲۵ گرم طلا باشد،

مجموعه مهر السنه ۱۷۵/۷۸۱۲۵ گرم طلا می‌شود. ۳۲

با توجه به این که اکنون (سال ۱۳۸۴ ش) بهای هر گرم طلا حدود ده هزار تومان است، مهر السنه حدود ۱/۷۰۰/۰۰۰

تومان می‌شود و بین این دو محاسبه دو تن از فقهای معاصر بیش از یک ونیم میلیون تومان تفاوت خواهد بود.

این ده مورد از باب مثال بیان شد و گرنه نمونه‌های بیشتری وجود دارد. ۳۳ برای بررسی همه جانبه و دقیق این

موضوعات - چنان که گذشت - سزاوار است «مرکز موضوع‌شناسی» در حوزه با نظارت فقها تأسیس شود ۳۴ تا به فقیه در استنباط حکم و به مردم در عمل به آن حکم کمک نماید، و برخی اختلاف‌ها در این زمینه رخت بر بندد و وظیفه مقلد مشخص شود.

بعضی از جواب‌های استفتاءات فقیهان از مصادیق بارز تشخیص موضوع است که در غیر موضوعات مستتبط و مانند

آن، جزو وظایف فقیه و تقلیدی نیست؛ ۳۵ مانند پاره‌ای از مسائل خمس، به خصوص در باب مؤونه. گاهی نیز

دخالت فقیه در تعیین موضوع سبب بروز مشکلاتی می‌گردد؛ مانند دخالت در تعیین قبله بسیاری از شهرهای

امریکای شمالی که سالها پیش رخ داد به طوری که در یک مسجد عده‌ای از شیعیان به سمت جنوب شرقی نماز

می‌خواندند و گروهی دیگر به سمت شمال شرقی. ماجرا چنین است که شیعیان مقیم آمریکا و کانادا از ابتدا به

سمت شمال شرقی نماز می‌خواندند و آن را جهت قبله می‌دانستند. از آیه اللّٰه خویی (ره) - در اواخر عمرشان - در

باره قبله آمریکا استفتا شد و مسلمانان از جواب ایشان این طور برداشت کردند که جهت قبله در آنجا به سمت جنوب شرقی است، نه شمال شرقی. البته چون متن این جواب در دست نیست، نمی‌دانیم آیا ایشان تصریح کرده‌اند که جهت قبله در آنجا به سمت جنوب شرقی است، یا از کلامشان این گونه برداشت شده است؟ به هر حال پس از آن حتی در یک مسجد عده‌ای به سمت شمال شرقی و گروهی نیز به سمت جنوب شرقی نماز می‌خواندند که مشخص نیست هنوز هم ادامه دارد یا نه؟ این موضوع باعث ایجاد غوغای عجیبی گردید و شیعیان مقیم کانادا و آمریکا از علمای قم از جمله آیه الله گلپایگانی (ره) و آیه الله سید کاظم حائری (دام‌ظله) در این باره استفتا کردند. هر دو بزرگوار - طبق نظر متخصصان و موضوع شناسان - با کمی توضیح، همان جهت قبله سابق یعنی شمال شرقی را تأیید کردند.

آیه الله گلپایگانی (ره) در پاسخ به این استفتا جواب فنی و ماهرانه‌ای داده‌اند:

سؤال: براساس نظر کارشناسان تعیین قبله، قبله آمریکای شمالی در سمت شمال شرقی تعیین گشته است. از آنجا که اخیراً نظریه‌ای در آمریکا پخش شده است که قبله این منطقه به سمت جنوب شرقی است و نفس این نظر موجب بلا تکلیفی در بین جامعه اسلامی این منطقه شده است. خواهشمند است نظر مبارک خود را در زمینه ملاک‌های تعیین قبله اعلام فرمایید تا تکلیف مقلدین حضرت مستطاب عالی مشخص گردد.

لازم به توضیح است که عموم جامعه اسلامی مقیم آمریکا، اعم از شیعه و سنی، تا به حال براساس نظر کارشناسان، به سمت شمال شرقی نماز می‌گزارده‌اند.

جواب: پاسخ به سؤال فوق از مصادیق تعیین موضوع است و در شأن فقیه نیست، لیکن بر حسب استفسار مجدد از متخصصین مورد اعتماد فن و اظهار نظر کارشناسان دقیق و خبره، قبله منطقه در سمت شمال شرقی [است] و همان قبله سابق تأیید می‌شود. ۳۶

چنان که ایشان فرموده‌اند جهت قبله در بیشتر کشورها و شهرهای قاره آمریکا از جمله واشنگتن و نیویورک به سمت شمال شرقی است و این موضوع با موازین علمی اثبات شده است. ۳۷ علت برداشت اشتباه از فتوای آیه الله خویی (ره) - چنان که یکی از اهل فن توضیح داده - چنین است:

... علی‌رغم این که همه قبول کرده‌ایم زمین مانند توپ فوتبال کروی است، ذهن‌های ما از ابتدا به نقشه‌های مسطح خو گرفته است و همواره خود و مسجد الحرام را روی نقشه مسطح در نظر می‌گیریم. مثلاً هنگامی که در شهر «نیویورک» (در آمریکا) باشیم و قبله را روی نقشه مسطح در نظر بگیریم، قبله بدون هیچ گونه ابهامی به سمت جنوب شرقی خواهد بود اما اگر روی یک توپ فوتبال، دو سنجاق، یکی در مختصات شهر «نیویورک» و دیگری در

مختصات «مسجد الحرام»، فرو كنيم و توپ را به دست هر كسى بدهيم و پيرسيم: از اين نقطه چگونه بايستيم كه رو به نقطه ديگر باشيم؟ بدون هيچ گونه ابهامى سمت شمال شرقى را نشان خواهد داد و اين، معنى صحيح عرفى (شَطْرَ المسجد الحرام) ۳۸ است... ۳۹.

منشأ اشتباه - همان گونه كه بيان شد - ملاك قراردادن نقشه مسطح است ولى آيه الله سيد كاظم حائرى (دام ظلّه) در پاسخ استفتايى سخن آيه الله خوبى (ره) را توجيه کرده و معتقد است كه ديگران سخن ايشان را اشتباه فهميده‌اند. متن استفتاء و پاسخ آيه الله حائرى چنين است:

مسألة: ... أرسل أحد المشايخ فى أمريكا رسالته إلى سماحة السيد الخوئى (دامت برکاته) حول اتجاه القبلة و يظهر أن هناك رأيين فى تشخيص القبلة عند المسافات البعيدة، فمنهم كالشهيد الصدر (ره) حيث يرى أنها أقصر فاصل إلى مكة المكرمة، فإن أقرب فاصل يخترق الكرة الأرضية نحو مكة المكرمة هو الشمال الشرقى، وهو ما يصل إلى المسلمون الشيعة منذ سنى إقامتهم فى كندا أو أمريكا، و اليوم و بعد إرسال المشار إليه رسالته إلى السيد الخوئى فهمنا منها أن سماحة السيد الخوئى لا يرى أخذ النقطة القريبة من مكة، و ليس القياس فى ذلك الأقرب من خطوط الطائرات إلى مكة المكرمة، و لكن المرجع هو السطح للكرة الأرضية فالأقرب هو الجنوب الشرقى، و هذا الشيء خلق مشكلة كبيرة لدينا، فمنهم من بقى على اتجاه القبلة القديم أى الشمال الشرقى و منهم من غيرته إلى الجنوب الشرقى حسب فتوى السيد الخوئى (حفظه الله و رعاها). و الآن لاندري إلى أين نتجه و نحن لازلنا نقلد الشهيد الصدر (ره).
الجواب: المظنون عندي أنه لا يوجد خلاف فى الاتجاه الفقهى بين الشهيد الصدر و السيد الخوئى فى تشخيص جهة القبلة، و لافرق فى النتيجة بين تعيين القبلة عن طريق أقصر خط فى الجو إلى جهة الكعبة أو عن طريق أقصر خط فى سطح الأرض إليها، أو قل: أقصر خط فى سطح الأرض بعد فرض إزالة الجبال و التوائت، و لافرق بين هذه التعابير و التعبير بالجهة العرفية. و أن الخلاف الموجود لديكم نشأ من الخطأ عندكم فى فهم كلام السيد الخوئى (حفظه الله) و ليس خطأ من السيد الخوئى و لا من الشهيد الصدر (ره)، فالقبلة لديكم تكون باتجاه الشمال الشرقى كما كانت عليه القبلة القديمة. أمّا ما يقوله السيد الخوئى من أن القبلة لديكم باتجاه الجنوب الشرقى فأظن أنه لا يقصد بذلك الشرق و الغرب بالمعنى المصطلح و هو يمين و شمال من يقف باتجاه القطب، بل يقصد بذلك الشرق و الغرب بالمعنى الحقيقى للكلمة، أى مشرق الشمس و مغربها بالقياس إليكم، و القبلة القديمة الموجودة لديكم لو قسناها إلى المصطلح الثانى لوجدناها فى الجنوب الشرقى، فالقبلة التى يؤمن بها السيد الخوئى (حفظه الله) هى نفس القبلة القديمة، و إنّما الفرق فى الألفاظ و التعابير، و نتج من اختلاف الألفاظ و التعابير خطأ فى فهم المقصود مما أدى إلى الخلاف الموجود فعلاً لديكم.

و أما ما يقوله السيد الخوئي من أن العبرة في تشخيص القبلة إنما هي بالجهة العرفية لا بالأقرب بحسب المسافة الخارجية، فأظن أنه يقصد بالمسافة الخارجية أقرب الخطوط المفترضة على سطح الأرض بما فيها من جبال و نتوات و ديان. أما حينما نقصد بالمسافة الخارجية الخطوط الجوية أو الخط الذي يمر في عمق الأرض، أي تحت الجبال و النتوات إلى الكعبة، فأقرب المسافات هي عين الجهة العرفية.

و النتيجة هي أن المظنون أنه لاختلاف بين الفقهاء: السيد الخوئي و غيره في فهم جهة القبلة لديكم، و هي القبلة القديمة المعروفة عندكم، و إنما الاختلاف نشأ عندكم من عدم الإحالة بالمصطلحات المختلفة. ٤٠

به هر حال چون متن فتوای آیه الله خویی (ره) در دست نیست، نمی دانیم که این توجیه درست است یا نه؟ ولی به هر صورت این تشتت و دو دستگی به مرجعیت نسبت داده شد.

همان زمان عده‌ای برای استفسار از این موضوع خدمت آیه الله گلپایگانی (ره) رسیدند. این بزرگوار نیز آنان را به محضر استاد فن و ریاضیدان برجسته، حضرت استاد حسن زاده آملی فرستاد. به خاطر دارم که ایشان بسیار متعجب بود از این که مسأله‌ای به این روشنی و سادگی چگونه موجب اختلاف و سبب وهن اسلام و تشیع و مرجعیت گشته است.

یکی از عالمان معاصر در این زمینه می نویسد:

یکی از بستگان دانشجوی من که در کانادا تحصیل می کند می گفت: در بین دانشجویان شیعه در سمت قبله اختلاف است. برخی به فتوای آیه الله خویی به سمت شرق و برخی دیگر به فتوای دیگران به سمت غرب یا بالعکس نماز می خوانند. ملاحظه کنید یک مشت جوان متعهد در ینگه دنیا می خواهند نماز بخوانند، صرف نظر از ضرر این اختلاف در بین خود آنان، در بین دانشجویان مسلمان دیگر مذاهب چه انعکاسی دارد؟ ٤١

البته - چنان که گذشت - سخن از شمال شرقی و جنوب شرقی است، نه شرق و غرب. از طرفی شیعیان مقیم آمریکا از اول - طبق نظر کارشناسان و نه فتوای فقیهان - به سمت شمال شرقی نماز می خوانند و فقیهان در تعیین موضوع دخالتی نداشتند. فقط قبله بودن جنوب شرقی، به آیه الله خویی (ره) نسبت داده شده که بعید است ایشان بدین گونه تعیین موضوع کرده باشند.

به هر حال، این موضوع نشانه بی برنامه‌گی ماست. اگر یک مرکز مجهز «موضوع شناسی» وجود داشت یا این اختلاف‌ها پدید نمی آمد یا به نهاد مرجعیت نسبت داده نمی شد.

موضوع دیگری که به گونه‌ای شبیه قبله آمریکا و محل اختلاف است، مسئله محاذات یا عدم محاذات جدّه با میقات است که کارشناسان باید تکلیف آن را مشخص و معین کنند و اختلاف در آن به هیچ وجه شایسته نیست. در

مناسک برخی از مراجع معاصر می خوانیم:

کسانی که با هواپیما به حج می روند و می خواهند بعد از حج به مدینه مشرف شوند، احتیاط آن است که بدون احرام بروند جدّه، و از اهل اطلاع مورد اعتماد تحقیق کنند، اگر جدّه یا حده معلوم شد محاذی با یکی از میقاتهاست از آنجا محرم شوند و الا بروند به میقات دیگر مثل جحفه و از آنجا محرم شوند. ...

محاذات یا عدم محاذات جدّه با یکی از مواقیت - به نظر بسیاری از فقیهان - موضوع حکم است و نباید توقع داشت حاجی - که از همه جایی خبر است - تحقیق کند که آیا جدّه محاذی میقات است یا نه، بلکه این امر به عهده مرکز مذکور است و ابهام و تردید در آن با این همه امکانات و وسائل فعلی سزاوار نیست. برخی از فقیهان دیگر در این زمینه نوشته اند:

- محاذات جدّه با یکی از مواقیت ثابت نیست، بلکه اطمینان به عدم محاذات آن است، پس احرام از جدّه مجزی نیست و بر حاجی لازم است قبل از رسیدن به جدّه نذر احرام نموده و از محل نذر احرام بیند. ۴۲

- با ملاحظه نقشه های جغرافیایی، نقطه محاذی جحفه، در جنوب شرقی جدّه واقع است و لذا با نذر می شود در فرودگاه جدّه احرام بست؛ زیرا قبل از میقات واقع است.

- محاذات جدّه با هیچ یک از میقاتها ثابت نیست. بنابر این باید یا به میقات یا محاذات میقات برود. ۴۳

- جدّه نه میقات است نه محاذی میقات، لذا احوط آن است که با نذر از آنجا محرم شود. ۴۴

ظاهراً منشأ اختلاف فتوای علما در این زمینه، مشخص نبودن وضع موضوع حکم، یعنی محاذات یا عدم محاذات جدّه با میقات است، ۴۵ که با این همه وسایل موجود، ابهام در آن به هیچ وجه شایسته نیست. البته اگر در معنی کلمه «محاذات» اختلاف باشد و بر اثر آن در محاذی بودن جدّه اختلاف شود، سخن دیگری است و چنین اشکالی وارد نخواهد بود.

یکی دیگر از خدمات مرکز موضوع شناسی به نهاد مرجعیت، می تواند بررسی دقیق موضعی در مشاعر مقدّس و اماکن مشرف باشد که از یک طرف موضوع احکام شرعی، و از سوی دیگر دستخوش تغییر، دگرگونی و توسعه اند. مثلاً:

الف) علامه حلی (أعلى الله مقامه) در باره کفّارات احرام از علی بن بابویه پدر بزرگوار شیخ صدوق (رحمهما الله) نقل می کند:

كل ما أتيته من الصيد في عمرة أو متعة فعليك أن تنحر أو تذبح ما يلزمك من الجزء بمكّة عند الحزورة قبالة الكعبة
موضع النحر. ...

شبيه اين سخن را نيز علامه از ابن براج و ابو الصلاح حلبی و ابن ادريس (رحمهم الله) نقل کرده است. ۴۶.
ازرقی می گوید:

الحزورة: سوق مکه، و كانت بفناء دار أم هانئ ابنة أبي طالب التي كانت عند الحنّاطين فدخلت في المسجد الحرام. ۴۷.
...زبیدی می نویسد:

...في روض السهيلي: «هو اسم سوق كانت بمكة وأدخلت في المسجد لما زيد فيه»... ۴۸.
ياقوت حموي هم بیان می کند:

الحزورة كانت سوق مکه، و قد دخلت في المسجد لما زيد فيه. ۴۹.

از اين کلام ابن بابويه: «... موضع النحر» نيز فهميده می شود که حزوره محل قربانی اهل مکه بوده است. چنان که ازرقی و حموی و زبیدی تصريح کرده اند «حزوره» از چند قرن پيش داخل و جزء مسجد الحرام شده و ديگر قربانی کردن در آنجا ممکن نیست. با اين وصف، یکی از فقیهان بزرگ معاصر (ره) - به پیروی از ابن بابويه و فقیهان دیگری که از آنها نام بردیم - در مناسک عربی خود (ص ۱۱۶) نوشته اند:

ما يلزم الحاجّ من الفداء في إحرام الحجّ ينحصره أو يذبحه بمنى، و إن كان في إحرام العمرة فبمكة بالموضع المعروف بالحزورة.

ب) یکی از مستحبات ورود به مسجد الحرام را داخل شدن از باب بنی شبيه دانسته اند، چون بت هبل در آنجا دفن شده است. ۵۰. شهيد اول (ره) در اين خصوص می گوید:

و يدخله حافياً خاضعاً خاشعاً من باب بنی شبيه ليطأ هبل، و يقف عنده داعياً... ۵۱.
علامه محمد تقی مجلسی (أعلى الله مقامه) در شرح فقيه گوید:

حضرت فرمودند که «آن بت را دفن کردند نزد باب بنی شبيه» که از جهت علامت آن در، طاقی زده اند قريب به زمزم. و از اين جهت است که سنت است که از آن در داخل مسجد الحرام زمان آن حضرت شوند؛ چون الحال آن طاق در میان مسجد است. ۵۲.

شهيد ثانی (ره) ذیل اين سخن علامه حلبی در إرشاد الأذهان: «و يستحب... دخوله من باب بنی شبيه» فرموده است:

و هو ال آن داخل في المسجد موازياً لباب السلام بقرب الأساطين. ۵۳.

شهيد ثانی در ساير آثار فقهی اش يعنى مسالك الأفهام، الروضة البهية، حاشية الشرائع و مناسك الحج و العمرة، نيز متذکر اين نکته شده است:

- هو ال آن داخل في المسجد بإزاء باب السلام، و ليس له علامة تخصّه، فليدخل من باب السلام على الاستقامة إلى أن

یتجاوز الأساطین؛ فإنّ توسعه المسجد من قریبها... ۵۴

- و هو ال آن فی داخل المسجد بسبب توسعه، بازاء باب السلام عند الأساطین. ۵۵

- هو ال آن داخل فی المسجد یازاء باب السلام، فلیدخل من باب السلام علی الاستقامه إلی أن یتجاوز الأساطین

لیصادفه... ۵۶

البته شهید ثانی (م ۹۶۵) در تذکر این نکته، تا حدودی تحت تأثیر آثار محقق کرکی (م ۹۴۰) از جمله جامع المقاصد بوده است. محقق کرکی در این باره می نویسد.

سمعنا أنّ هذا الباب یدعی ال آن بیاب السلام. و ینبغی أن یعلم أنّ هذا الباب ال آن غیر معلوم؛ لأن المسجد قد ثبت أنّه زید فیه. نعم، یراعی الدخول من الباب الذی یسامته ال آن، فعلی ما سمعناه یدخل من باب السلام المعروف بذلك ال آن. ۵۷

در توضیح سخن شهید بزرگوار می افزایم که: از زمانهای پیش از شهید تا نزدیک زمان ما، یعنی حداقل تا یکصد سال پیش، در نزدیکی مطاف - یعنی نزدیک محدوده بین مقام و کعبه شریفه - ستونهایی بوده است که به آنها چراغ آویزان می کرده اند و منظور شهید از «اساطین» همین ستونها است که اگر کسی مستقیماً از باب السلام می آمده تا از این ستونها بگذرد از باب بنی شیبه عبور می کرده است. رفعت پاشا تصویری از طاقی نیم دایره که علامت موضع باب بنی شیبه بوده در مرآة الحرمین (ص ۲۱۷) درج کرده، و در توضیح ستونهای یاد شده و باب بنی شیبه می نویسد: ...گرداگرد مطاف بر روی سنگها، ستونهای مسی زرد رنگی قرار دارد که... قندیلها بدانها می آویزند... در کنار مطاف... در سمت جنوبی گنبدی بر روی چاه زمزم ساخته شده است. در شمال چاه، درب بنی شیبه قرار دارد که این درب به صورت طاقی نیم دایره بر دو ستون از سنگ مرمر ساخته شده است... ۵۸ و آن هنگام که تمامی این قندیلها که در اطراف کعبه قرار گرفته روشن شود، منظره بس زیبایی را به وجود می آورد. ۵۹... میان ستونهای مطاف ۲۵۷ عدد قندیل قرار دارد... این شمارش در سال ۱۳۲۰ ق توسط اینجانب به عمل آمد... ۶۰

در سال ۲۳۲ ق به دستور واثق بالله عباسی ده ستون چوبی در اطراف مطاف قرار داده شد... تا طواف کنندگان از نور آن استفاده کنند... پس از آن مجدداً تغییراتی در ستونهای یاد شده به وجود آمد به صورتی که در این اواخر آنها را از مس ساخته و اتصالات بین آنها را آهن قرار دادند... ۶۱

از برخی منابع تاریخی هم فهمیده می شود که باب بنی شیبه نزدیک چاه زمزم و روبه روی مقام ابراهیم بوده ۶۲ و از چند قرن پیش داخل مسجد شده و روبه روی باب السلام آن زمان بوده است. شیخ انصاری (م ۱۲۸۱) هم بیش از صد و چهل سال پیش به پیروی از فقیهان پیشین در مناسک خود می گوید:

و چون داخل شود از در بنی شیبه وارد شود و گفته‌اند که آن در الحال برابر باب السلام است، باید که چون از باب السلام داخل شود راست بیاید تا ستون‌ها... ۶۳

شاید این سخن شیخ: «گفته‌اند که آن در الحال برابر باب السلام است» اشاره به توضیح شهید ثانی باشد که فرمود: «و هو ال آن داخل فی المسجد یبازء باب السلام فلیدخل من باب السلام علی الاستقامه إلی أن یتجاوز الاساطین.» بی تردید، مسجد الحرام از زمان شهید تاکنون بلکه از زمان شیخ انصاری تا ال آن چند بار توسعه یافته ۶۴ و مشخصات آن زمان با وضع فعلی مسجد تناسبی ندارد. یعنی باب بنی شیبه فعلی (باب شماره ۲۶) و باب السلام کنونی (باب شماره ۲۴) که هر دو در کنار و خارج مسعی واقع شده‌اند. هیچ کدام باب بنی شیبه و باب السلام سابق نیستند. به عبارتی، باب السلام فعلی بعد از توسعه سعودی، نامگذاری جدید شده و مقابل باب بنی شیبه نیست و بنای فعلی قسمت قدیمی مسجد که از یادگارهای دوره عثمانی است پس از زمان شهید ثانی (م ۹۶۵) ساخته شده است. بنابراین طبیعی است که وصف شهید از چگونگی مسجد، با وضع فعلی آن تفاوت داشته باشد. با این همه تغییراتی که در بنای مسجد الحرام از زمان شهید تاکنون ایجاد شده، باز هم در مناسک‌های فعلی می‌بینیم که همان عبارات قدیمی درج شده است. مثلاً در مناسک اکثر مراجع معاصر در آداب ورود به مسجد الحرام، عبارت ذیل وجود دارد:

هنگام ورود از در بنی شیبه وارد شود و گفته‌اند که باب بنی شیبه در حال کنونی مقابل باب السلام است. بنابر این نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستون‌ها بگذرد. ۶۵
ملاحظه می‌شود تعبیر «در حال کنونی» که در عبارت شهید ثانی (م ۹۱۱) آمده و شاید پیش از شهید هم وضع این گونه بوده به همان شکل در مناسک‌های زمان ما نیز درج شده است در حالی که امروزه هر کس این عبارت را بخواند، چنین می‌فهمد که مراد از آن، باب السلام فعلی مسجد (باب شماره ۲۴) است و کسانی که می‌خواهند به این مستحب عمل کنند، از باب السلام فعلی داخل می‌شوند.

عبارت برخی از مناسک‌های مراجع فعلی (دامت إفاضاتهم و أفاض الله علينا من برکات أنفاسهم) نیز چنین است:
- و هنگام ورود، از در بنی شیبه وارد شود و گفته‌اند که در بنی شیبه در حال کنونی مقابل باب السلام است. بنابر این، خوب است که از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از اسطوانات ۶۶ بگذرد.
- و یقال: إنَّ باب بنی شیبه یحاذی ال آن باب السلام، و لهذا یحبَّذ أن یدخل الشخص من باب السلام و یتوجّه بصورة مستقیمه إلی أن یتجاوز الأسطوانات.

... الدخول من باب بنی شیبه، و هو ال آن داخل المسجد الشریف بعد ماجری علیه التوسیع، و هو مقابل باب السلام

آنچه ذکر شد، از باب نمونه بود و غیر از این موارد، برخی تغییرات مکانی دیگر نیز در مناسک‌های امروزی مدّ نظر قرار نگرفته است. مثلاً در مناسک یکی از فقیهان بزرگ معاصر (چاپ ۱۳۷۹ ش / ۱۴۲۱ق) در بخش مستحبات مکه می‌خوانیم:

۵. ینبغی زیارة مکان مولد رسول الله (ص) بمکّه و هو ال آن مقابل المسجد الحرام باب العمرة فی زقاق بسوق اللیل یسمی زقاق المولد، فیصلی فیہ و یدعو الله تعالی....

۹. إتیان منزل خدیجه علیها السلام... و هو ال آن مسجد أيضاً فیصلی فیہ و یدعو... ۱۲. إتیان مسجد الأرقم و الصلاة فیہ.

در حالی که سالهاست، نه از «زقاق المولد» خبری هست و نه از مسجدی که در محل خانه حضرت خدیجه کبری (س) بوده، اثری مانده است. همچنین مسجد ارقم در توسعه مسجد الحرام (سال ۱۳۷۵ ق) جزو مسجد شده و گفته‌اند: «نزدیک دری بوده که اکنون باب ارقم نامیده می‌شود.» ۶۸

بدون شک نباید انتظار داشت که فقیه به تمام این مسائل احاطه داشته باشد و همه را در مناسک مراعات کند بلکه این وظیفه همان «مرکز موضوع‌شناسی» پیشنهادی در این مقاله است که از یک سو کار را بر فقیهان آسان می‌کند و از سوی دیگر جلوی بروز این گونه خطاها و سهل‌انگاری‌ها را می‌گیرد و کسانی را که این امور را دست‌مایه استهزاء و طعنه قرار می‌دهند خلع سلاح می‌کند. بی‌تردید در دوران قدیم و پیش از انقلاب با نبود امکانات و ابزارهای گوناگون، این گونه سهل‌انگاری‌ها طبیعی بود ولی امروزه دیگر پسندیده نیست. ۶۹

نمونه‌هایی که بیان شد موضوع بعضی از احکام مستحب بود و در خصوص جاهایی که موضوع احکام واجب اند - مانند جمرات - موضوع‌شناسی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بدون شک، اطلاع فقیه از چگونگی وضع جمرات در زمان معصومین (ع) و تغییر و تحوّل آن تا زمان ما، در استنباط احکام آن تأثیر خواهد داشت. یکی از عالمان معاصر که تقریباً از پنجاه سال پیش تاکنون بارها به حج مشرف شده است می‌گفت: یکی از مراجع، رمی جمره را از طبقه بالا صحیح نمی‌دانست. به او گفتم: جمره عقبه - دهها سال قبل - در ته یک درّه واقع شده بود، نه بر سطح فعلی، و شاید اکنون دهها متر بالاتر و مرتفع‌تر از موضع و سطح قبلی‌اش باشد. ۷۰ بنابراین در زمان معصومین (ع) هم جمره بر سطح فعلی نبوده که گفته شود: رمی قسمت طبقه پایین صحیح و رمی طبقه بالا غیر صحیح است. ایشان می‌گفت: آن مرجع، استدلال مرا پذیرفت و رمی از طبقه بالا را کافی دانست.

مقوله دیگر موضوع‌شناسی، مسایل نو ظهور از قبیل مالکیت معنوی، سینما، رادیو، تلویزیون و مانند اینهاست که غالباً

مشخص نشدن موضوع، سبب اختلاف فتوا یا خطا می‌شود، در حالی که باید در باره چگونگی آنها به نظر عرف - هر جا تشخیص با عرف باشد - پژوهش‌های عمیق و تحقیقات میدانی صورت پذیرد. مثلاً برخی فقیهان بزرگوار معاصر فتوا داده‌اند:

مشاهده فیلم فوتبالیست‌ها و کشتی‌گیران از تلویزیون در پخش غیر مستقیم بدون قصد ریه ۷۱ اشکال ندارد و در پخش مستقیم احوط ترک است.

اکنون این سؤال پیش می‌آید که آیا در ترتب آثار سؤ نظر به نامحرم، بین پخش مستقیم و غیر مستقیم فرقی وجود دارد؟ ثانیاً هر چند - با دقت عقلی - بین پخش مستقیم و غیر مستقیم فرق است؛ ولی آیا عرف که مخاطب شارع است، بین آنها فرق فارق و قابل توجهی قائل می‌شود؟ و آیا با توجه به حکمت نهی شارع از نظر به نامحرم می‌توان بین این دو فرقی قائل شد؟ به هر حال تشخیص موضوع، در حکم این مسأله و مسأله‌ای که در ادامه خواهد آمد، بی‌تأثیر نیست:

در باره وجوب یا عدم وجوب سجده هنگام شنیدن آیات سجده از وسایلی مانند ضبط صوت، رادیو یا تلویزیون (در پخش غیر مستقیم) سه فتوا در بین فقیهان معاصر وجود دارد:

الف) سجده واجب نیست.

ب) سجده واجب است.

ج) احتیاط واجب آن است که سجده کنند.

وقتی دستگاه پخش صوت و گرامافون که به آن «صندوق حفظ الصوت» و «فونوگراف» می‌گفتند تازه به کشورهای اسلامی آمده بود، اختلاف شد که شنیدن غنا از آن چه حکمی دارد، زیرا غنای حرام، «صوت انسان» است و آنچه از ضبط صوت شنیده می‌شود «صوت انسان» نیست. برخی از فقیهان آن زمان نیز در این خصوص رساله نوشتند که بنده و همکارانم آنها را در میراث فقهی (۱): غنا، موسیقی چاپ کرده‌ایم. ۷۲ ولی بر اثر گذشت زمان، مسأله روشن شد و ظاهراً امروزه همه قبول دارند که بین شنیدن غنای حرام از دهان انسان به طور مستقیم و بی‌واسطه، و شنیدن آن از ضبط صوت و گرامافون و پخش غیر مستقیم از رادیو و تلویزیون هیچ‌گونه فرقی وجود ندارد.

هدف از موارد بیان شده، ورود تفصیلی گسترده و پژوهش عمیق در باره این موضوعات نبود، بلکه مقصود، یادآوری این نکته بود که امروزه:

- پاره‌ای از موضوعات نوپیدا و جدیدند.

- شماری از موضوعات با معیارهای پیشین بیان شده‌اند که برای مکلفان امروزی قابل فهم نیستند.

- برخی از موضوعات، تغییر یافته و دگرگون شده‌اند. ۷۳

- تعدادی از موضوعات نیز بلا تکلیف مانده‌اند که تشخیص آنها در قدیم دشوار بود، ولی اکنون آسان است. از سوی دیگر، انتظار داشتن از عرف عام یا متخصصان - بدون نظارت حوزه - برای مشخص نمودن آنها یا توقع این که فقیهان وقت خود را در این راه صرف کنند، به جا و معقول نیست. از این رو پیشنهاد می‌شود «مرکز موضوع‌شناسی» در حوزه و با نظارت فقها تأسیس شود تا این گونه موضوعات را بررسی و مشخص نماید و موجبات تسهیل در استنباط مجتهدان و راحتی مقلدان را در عمل به تکلیف فراهم آورد. هدف از مطالب بیان شده، تبیین همین نکته بود گرچه ممکن است پاره‌ای از مطالب مذکور قابل مناقشه باشد.

۱. آخرین بخش از نکته‌های شماره قبل از (ص ۳۴۰ - ۳۴۲)، یعنی سخن فاضل هندی در پایان کتاب کشف اللثام، نکته چهلیم بود که در حروفچینی، شماره ۴۰ از آغاز آن افتاده است. بنابراین هشتمین قسم از نکته‌ها با شماره ۴۱ شروع می‌شود.

۲. مجله نجوم، شماره ۹ (خرداد ۱۳۷۱)، ص ۱۵ - ۱۷، شماره ۱۳۷ (مرداد ۱۳۸۳)، ص ۲۹، شماره ۱۴۱ (آذر ۱۳۸۳)، ص ۵، شماره ۱۴۵/۱۴۶ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴) ص ۹، شماره ۱۴۷ (خرداد ۱۳۸۴)، ص ۷ و فرهنگنامه، ج ۹، ص ۳۰۸ - ۳۱۲، مدخل «تلسکوپ».

۳. ظاهراً مراد از رؤیت در روایات رؤیت هلال، رؤیت ناظر زمینی است و نه فضایی. بنابراین، از این جهت نیز - علاوه بر برخی جهات دیگر - رؤیت هلال با هابل معتبر نیست. رک: میراث فقهی (۲): رؤیت هلال، ج ۱، مقدمه.

۴. میراث فقهی (۱): غنا، موسیقی، ج ۳، ص ۱۸۸۴.

۵. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۹۹۳.

۶. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۷۰۸.

۷. توضیح المسائل آیه الله بروجردی با حاشیه آیه الله خویی و یگران، ص ۲۷۶.

۸. استفتاءات، ج ۱، ص ۱۹۴، سؤال ۲۳۸.

۹. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۷۰۸.

۱۰. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۶۴، باب ۳ از ابواب صلاة المسافر، ح ۵.

۱۱. همان ح ۶.

۱۲. همان، ص ۴۶۳، ح ۱.

۱۳. همان، ص ۴۶۵، ح ۸.
۱۴. همان، ص ۴۶۴، ح ۴.
۱۵. همان، ح ۳.
۱۶. مرآة الحرمين، ص ۳۶۲، ترجمه فارسی.
۱۷. همان، ص ۲۱۰.
۱۸. همان، ص ۳۶۲.
۱۹. مناسک حج (با ۱۲ حاشیه)، ص ۲۴۶، مسأله ۵۹۲، و ص ۲۶۲، مسأله ۶۳۸.
۲۰. مناسک حج، ص ۲۰۵.
۲۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۴۶. برای آگاهی از سایر نظرها به همین منبع مراجعه شود.
۲۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۱۴، مسأله ۲۹۶.
۲۳. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۴۹۱.
۲۴. قبله و اوقات شرعی شهرهای ایران، محمد سمیعی، چاپ اول، قم، لواء، ۱۳۷۶. در این اثر، ساعت قبله و اوقات شرعی ۱۰۴ شهر مهم ایران در همه ایام سال محاسبه و معین شده و در توضیح ساعت قبله آمده است: «با استفاده از ساعت قبله می‌توانید در هر شهری که باشید به کمک موقعیت خورشید، جهت قبله را مشخص کنید. چنانچه [چنان که] می‌دانید خورشید هر روز از مشرق طلوع کرده، به هنگام ظهر شرعی در نصف النهار ناظر قرار می‌گیرد و سپس در مغرب غروب می‌کند. بنابر این در هر ساعت روز، جهت خورشید زاویه خاصی با جهت قبله تشکیل می‌دهد. ساعت قبله زمانی است که در آن، خورشید کاملاً در جهت قبله قرار گرفته است. به عنوان مثال در اول مرداد ماه سال ۱۳۷۶ در شهرستان قم در ساعت ۱:۱۴ به وقت رسمی، خورشید کاملاً در جهت قبله قرار می‌گیرد و هر ناظری که رو به خورشید کند در جهت قبله ایستاده است. برای تشخیص بهتر سمت خورشید می‌توانید از سایه یک شیء عمود بر سطح زمین استفاده نمایید. این سایه چنانچه [چنان که] در ظهر شرعی کاملاً راستای شمال و جنوب را نشان می‌دهد در ساعت قبله نیز دقیقاً راستای قبله را مشخص می‌نماید.» (ص ۶۳۹ - ۶۴۰)
۲۵. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۸۱۲.
۲۶. العروة الوثقی، ج ۳، ص ۴۱۶، مسأله ۱.
۲۷. استفتاءات، ج ۱، ص ۱۴۲ - ۱۴۴.
۲۸. مجمع المسائل، ج ۴، ص ۹۳، مسأله ۲۴۸.

۱۲۹. استفتاءات، ج ۲، ص ۴۹۷، مسأله ۱۰. برای آگاهی از آراء مختلف در این زمینه به کتاب توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۵۷۳ - ۵۷۴ مراجعه کنید.
۳۰. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۸۲.
۳۱. جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۳۲، سؤال ۱۲۸۵.
۳۲. توضیح المسائل، ص ۴۶۴ - ۴۶۵، مسأله ۲۵۹۶.
۳۳. از جمله الکل و فراورده‌های آن، که اتفاقاً پژوهش خوبی در این زمینه صورت گرفته و در قالب کتابی به نام الکل و فراورده‌های آن در فقه اسلامی از حجة الاسلام آقای سید حسن شبیری، (قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۶ ش) منتشر شده است.
۳۴. اصل این طرح، یعنی لزوم تأسیس «مرکز موضوع‌شناسی» در حوزه، مولود اندیشه دوست فاضل و گرامی، حجة الاسلام جناب آقای محمد حسین فلاح زاده و در حباله نکاح ایشان است که بنده آن را بدین صورت تبیین نموده‌ام. خود ایشان در صدد تأسیس چنین مرکزی هستند و مقدمات آن را نیز فراهم کرده‌اند. (جزاه الله خیراً)
۳۵. رك: العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۷ - ۵۸، مسأله ۶۷.
۳۶. مجمع المسائل، ج ۴، ص ۹۶، س ۲۵۷.
۳۷. طلس قبله نما، ص ۱۳۹ - ۱۶۹.
۳۸. بقره: ۱۴۴.
۳۹. قبله و اوقات شرعی شهرهای ایران، ص ۶۳۸ و ۶۳۹.
۴۰. الفتاوی المتنبه، ص ۵۲ - ۵۴، مسأله ۱۵۹.
۴۱. امام خمینی و انقلاب اسلامی، (مجموعه مقالات از استاد واعظ زاده خراسانی)، ص ۳۵۸.
۴۲. مناسک حج (با ۱۲ حاشیه)، ص ۱۱۸ - ۱۱۹، مسأله ۲۱۲.
۴۳. همان.
۴۴. همان، ص ۱۹۹، ذیل مسأله ۴۴۳.
۴۵. برخی از فقیهان نیز مانند آیه الله خوئی (ره) می‌فرمایند: «احرام از جدّه حتی بر فرض محاذی بودن آن با میقات مجزی نیست...» (حاشیه مناسک حج، ص ۱۱۸، ذیل مسأله ۲۱۲). بعضی از فقیهان هم معتقدند احرام از جدّه - چه محاذی باشد و چه نباشد - برای کسانی که از میقات و نزدیک آن عبور نمی‌کنند، صحیح است: «یصحّ الإحرام من جدّه لمن لا یمرّ علی أحد المواقیت أو بالقرب منه» و هو الأقرب إلى الصواب.

۴۶. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۲۹۴ - ۲۹۵، مسأله ۲۴۷ و ص ۱۹۵ - ۱۹۶، مسأله ۱۵۲.
۴۷. تاریخ مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۹۴، به نقل از قاموس الحرمین الشریفین، ص ۹۸ و أخبار مکه، فاکهی، ج ۴، ص ۲۰۶.
۴۸. تاج العروس، ج ۱۱، ص ۱۰، «حرز.»
۴۹. معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۵۵.
۵۰. شیخ صدوق از حضرت امام صادق(ع) نقل می کند: «... هبل الذی رمی به علی(ع) من ظهر الکعبه لَمَّا علا ظهر رسول اللّٰه(ص) فأمر به فدفن عند باب بنی شیبه، فصار الدخول إلى المسجد من باب بنی شیبه سنّه لأجل ذلك» (الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۴، ح ۶۶۸).
۵۱. الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۳۶۴، انتشارات آستان قدس رضوی.
۵۲. لوامع صاحبقرانی، ج ۷، ص ۲۰۳. در تعبیر ایشان دقت کنید: «... داخل مسجد الحرام زمان آن حضرت شوند» روشن است که امروزه بر اثر توسعه مسجد الحرام زائران پیش از رسیدن به باب بنی شیبه وارد مسجد شده اند، و معنی ندارد گفته شود: «مستحب است از باب بنی شیبه وارد مسجد شوند» چون پیش از آن «ورود» حاصل شده، و تحصیل حاصل محال است. بنابر این، تعبیر مناسک های امروزی از این جهت نیز خالی از مسامحه نیست، و سخن دقیق همان است که علامه مجلسی فرموده اند که برای ورود به مسجد الحرام زمان پیامبر مستحب است از در بنی شیبه وارد شوند.
۵۳. غایه المراد و حاشیه الإرشاد، ج ۱، ص ۴۲۶.
۵۴. مسالک الأفهام، ج ۲، ص ۳۳۱.
۵۵. الروضه البهیة، ج ۱، ص ۵۰۴ (چاپ مجمع الفکر).
۵۶. حاشیه الشرائع، ص ۲۶۷؛ نیز ر. ک: مناسک الحجّ و العمره، ص ۲۰، مطبوع در رسائل الشهد الثانی، ج ۱، ص ۳۷۲.
۵۷. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۹۸؛ حاشیه إرشاد الأذهان، ص ۲۴۷؛ حاشیه شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۴۳۸.
۵۸. مرآة الحرمین، ص ۲۱۶ (ترجمه فارسی).
۵۹. همان، ص ۲۱۴.
۶۰. همان، ص ۲۶۰.
۶۱. همان، ص ۲۶۱.

۶۲. تاریخ مکّه المکرّمه قدیمآ و حدیثآ، ص ۷۰.

۶۳. مناسک حج، ص ۱۸۱.

۶۴. ک: مرآة الحرمین، ص ۲۳۵ - ۲۳۷؛ ساختمان مسجد الحرام، ص ۲۸.

۶۵. مناسک حج (با حواشی ۱۲ نفر از مراجع) ص ۲۲۲، مسأله ۵۳.

۶۶. منظور از این اسطوانات - چنان که گذشت - ستونهایی است که نزدیک مطاف بوده و اکنون سالهاست که از آنها خبری نیست.

۶۷. علاوه بر مناسک مراجع معظم، در برخی از دیگر کتابهای مربوط به حرمین نیز همان عبارت مناسک تکرار شده است؛ از جمله در مناسک نوین، به کوشش حجة الاسلام جناب مستطاب آقای بی آزار شیرازی، و مشعل زائر (ص ۱۳۹) اثر حجة الاسلام والمسلمین آقای علی عطایی.

۶۸. آثار اسلامی مکّه و مدینه، ص ۱۵۵ - ۱۵۷.

۶۹. دلیل پدید آمدن سهل انگاریهای مزبور این است که معمولاً فقیهان بر مناسک علمای پیشین حاشیه می‌زنند و در هنگام درج حاشیه در متن، این گونه تغییرات مورد غفلت واقع می‌شوند.

۷۰. رفعت پاشا در باره چگونگی جمره عقبه در حدود یک صد سال پیش چنین می‌نویسد: «جمره عقبه دیواری سنگی است به ارتفاع حدود سه متر و عرض حدود دو متر که روی قطعه سنگ بلندی به ارتفاع یک متر و نیم از روی زمین بنا گردیده است...»؛ «جمره عقبه... در پای کوه قرار دارد و یک سویه است» (مرآة الحرمین، ص ۳۴۴ و ۹۶، ترجمه فارسی).

۷۱. ریه امری «قصدی» نیست، بلکه شهوت و التذاد قصدی است. بنابر این شاید بهتر بود گفته شود: «بدون خوف ریه و قصد شهوت و التذاد». همچنان که آیه الله گلپایگانی (ره) در پاسخ به استفتایی نوشته‌اند: «نظر کردن زن به صورت مرد نامحرم اگر ریه و قصد تلذذ در بین نباشد اشکال ندارد؛ ولی نگاه کردن مرد به [صورت] زن اجنبیه و لو بدون قصد تلذذ و ریه اشکال دارد، مگر در حال ضرورت» (مجمع المسائل، ج ۴، ص ۴۰۱، سؤال ۱۰۷۲).

۷۲. آیه الله سید محمد باقر رضوی کشمیری (ره) در این زمینه رساله الروضة الغناء فی عدم جواز استماع الغناء المودعه فی الفونوغراف را نوشت. این رساله در جلد دوم میراث فقهی (۱): غنا، موسیقی، ص ۱۳۲۹ - ۱۴۲۰ درج و منتشر شد. همچنین آیه الله میرزا یوسف آقا مجتهد اردبیلی (ره) در آغاز رساله اش در غنا (غنا، موسیقی، ص ۱۱۴۵ - ۱۱۸۷) به این بحث پرداخت و بر خلاف مرحوم رضوی کشمیری، معتقد شد که شنیدن غنا از گرامافون مانعی ندارد؛ چون «صوت انسان» نیست:

«إنّ الظاهر إمكان دعوى صحّة الاستدلال على حرمة الغناء المسموع من التلفون بأدلة المنع من استماع الغناء بعنوان أنّه غناء، بخلاف المسموع من الفنوگراف لما فيه.

و وجهه أنّ الغناء... من عوارض الصوت و الصوت لا يطلق... إلّا في الأصوات الحاصلة من ذوى الأرواح (غناء، موسيقى، ص ۱۱۵۸)... فمن ذلك كلّ وضح و صحّ الاختصاص، فيتّضح و يصحّ سلب الغناء و الكلام عن حكاية الصندوق إياهما حقيقة بحيث لا يكاد يخفى على شاعر، ولا ينكره إلّا متعسف متعنّت مكابر...» (غناء، موسيقى، ص ۱۱۶۰).

۱۷۳. ثبات دگرگونی بعضی از موضوعات نیز نیازمند پژوهش و بررسی است. مثلاً - از باب نمونه - آیا امروزه شطرنج از ابزار قمار بودن خارج شده و به وسیله‌ای برای ورزش و ورزیدگی ذهن تبدیل شده است؟ در این گونه مسایل نمی‌توان به گفته مردم اعتماد کرد. باید با بررسی و پژوهش‌های همه جانبه و تحقیق میدانی تکلیف آنها را روشن کرد و هر گونه اظهار نظری در این خصوص باید به مستندات و منابع معتبر متکی باشد.